

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2020S4D13SH15M ISSN-P: 2538-3701

بررسی تطبیقی حق تمامیت اثر در حقوق داخلی و بین المللی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۱۰/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۳/۱۲)

فهیمة فخاری

چکیده

امروزه نقش اساسی در اقتصاد و توسعه پایدار را تولید علم بر عهده دارد. از این رو دولت‌ها در این عرصه نقشی مهم و دو پهلو خواهند داشت، از یک سو باید محیط مناسبی را ایجاد کنند که تولیدکنندگان علم و دانش (پدیدآوردگان آثار فکری) با اطمینان بتوانند فعالیت کرده و از نتایج تولید فکری خود منتفع شده، به تولید و توسعه هر چه بیشتر دانش پردازند از سوی دیگر حمایت از آن‌ها نباید به گونه‌ای باشد که فضا برای رشد علمی محدود شود، چراکه همواره پیشرفت در یک علم بر استفاده از آثار پدیدآوردگان قبلی استوار است. بنابراین به منظور نیل به این اهداف، ابزار حقوقی ویژه‌ای نیاز است؛ ابزار حقوقی که برای حمایت از تراوشات فکری بشر در حوزه‌های صنعت به معنای عامه کلمه و علم و ادب و هنر نقش تعیین کننده و مهم دارد، حقوق مالکیت معنوی است. حقوق مالکیت فکری مشتمل بر دو رکن مالکیت صنعتی و مالکیت ادبی هنری است. مالکیت صنعتی از اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم تجاری یا خدماتی، اسامی تجاری، حق کسب و پیشه در تجارت و... محافظت می‌کند و مالکیت ادبی و هنری از آثار و هنری و آفریده‌های مرتبط با آن حمایت می‌کند. مالکیت ادبی تحت عنوان حقوق معنوی مولف شامل حقوق معنوی، از قبیل حق افشای اثر، حق نام و عنوان، حق تمامیت اثر، حق عدول و حق استرداد است، حق حرمت اثر به عنوان یکی از مهمترین حقوق معنوی پدیدآورنده اثر شناخته میشود، چرا که اثر ادبی و هنری تجلی شخصیت پدیدآورنده است.

واژگان کلیدی: حق حرمت اثر، حقوق اخلاقی، حقوق مالکیت فکری، حق تمامیت اثر



مقدمه

امروزه حقوق مالکیت فکری اعم از ادبی و صنعتی در نظام های ملی و بین المللی جایگاه ویژه ای یافته است، چرا که اهمیت و جایگاه فکر و خلاقیت بشر بیش از پیش مورد توجه همگان قرار گرفته است. بنابراین نظام های حقوقی کشور ها باید همسو با تغییرات جامعه جهانی قوانین مناسبی را در جهت برقراری نظم و عدالت پیش بینی کنند. حقوق معنوی خود به پنج دسته تقسیم می شوند که عبارتند از:

۱- حق افشای اثر

۲- حق حرمت نام و عنوان

۳- حق تمامیت اثر

۴- حق عدول

۵- حق دسترسی به اثر

مهم ترین حق اخلاقی، حق تمامیت اثر است. براساس این حق هیچ کس نمی تواند یک اثر ادبی یا هنری را بدون موافقت پدید آورنده تغییر دهد؛ هر چند تغییر اندکی باشد. به طور کلی میتوان گفت هرگونه اقدامی اعم از تغییر تخریب، حذف، افزودن مطلب به اثر و... که موجب ورود لطمه به شخصیت پدیدآورنده شود تعرض به حقوق معنوی مولف به شمار آمده و از سوی او یا قایم مقامان وی قابل تعقیب و پیگیری میباشد. ماده ۱۹ قانون حمایت حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان به وجود این حق اشاره می کند و مقرر می دارد:

هر گونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدید آورنده ممنوع است.



شبهه این حق در انگلستان به عنوان «حق در برابر رفتار توهین آمیز» Right against Derogatory Treatment به رسمیت شناخته شده است. براساس بند ۱ ماده ۸۰ قانون حق اختراع، طرحهای صنعتی و کپی رایت ۱۹۸۸، پدید آورنده آثار ادبی، موسیقایی، هنری و نمایشی مورد حمایت، و کارگردان فیلم دارای کپی رایت، در شرایطی که ذکر می شود، حق دارد تا کارش در معرض رفتار توهین آمیز قرار نگیرد. در حقوق کشورها، اصطلاحات مختلف برای بیان این حق مشاهده میشود، کشورهایی همچون الجزایر، فرانسه و سنگال از جمله کشورهایی هستند که از اصطلاح رایج حق رعایت اثر استفاده میکنند. حق تمامیت اثر یا حق غیرقابل تعرض بودن اثر تعبیر دیگری هستند که در قوانین ملی برخی کشورها مورد استعمال قرار میگیرند. مثلا در برزیل کوبا اسپانیا و ژاپن این حق با اصطلاح حق تمامیت اثر معرفی میشود و در کشورهایی همچون رومانی و چک اسلواکی یا شوروی سابق از این حق تحت عنوان حق غیرقابل تعرض بودن اثر یاد میشود (اصول بنیادین حقوق مولف و حقوق مجاور در جهان، پروفیسور کلود کلمبه، ترجمه علیرضا محمد زاده و ادقانی، میزان) عنوان دیگری که میتوان در اثبات حقوق اخلاقی از آن استفاده کرد توهین است، منظور از رفتار توهین آمیز هر گونه اضافه، حذف، تغییر یا اقتباس از کار است. اما اموری از قبیل ترجمه اثر ادبی تغییر محسوب نمی شود. چنین رفتاری هنگامی توهین آمیز است که رفتار فوق باعث بد جلوه دادن یا تحریف کار محسوب گردد و یا اینکه به شهرت پدید آورنده یا کارگردان لطمه وارد کند. این حق نه تنها به دست کسی که با تغییر یا تحریف موجب رفتار توهین آمیز شده نقض می گردد، بلکه کسانی هم که چنین کار تحریف شده ای را نشر داده اند ناقض حق محسوب می شوند. وجه توسعه موضوع حکم روشن است، زیرا ناشر هم با چاپ اثر محرف، شهرت پدید آورنده را مورد تجاوز قرار داده است. همچنین اعمال نامناسب میتواند همانگونه که برخی قوانین عنوان میکنند، به شایستگی، احترام و شخصیت مولف لطمه وارد کند. قید شخصیت و احترام حکایت از این دارد که حق مورد بحث سخت به شخصیت مولف وابسته است.



بند اول: تاریخچه

مالکیت فکری در ابتدای پیدایش بیشتر در حقوق اقتصادی تاکید داشت اما با پیدایش اندیشه های فلسفی جدید حقوق اخلاقی یا معنوی نیز به عنوان حقوق مترتب بر پدیده های فکری مورد توجه قرار گرفت این حقوق در ابتدای قرن نوزدهم میلادی در کشورهایی چون المان و فرانسه متأثر از اندیشه فلسفی کانت و هگل مورد شناسایی قرار گرفت در سال ۱۱۱۱ دادگاه فرانسه حق مولف را نسبت به جلوگیری از اصلاح متن نوشته توسط ناشر را به سمت رسمیت شناخت سایر موارد حقوقی اخلاقی نیز که در راستای شهرت پدید آورنده و تمامیت اثر بوده و کشورهای رومی ژرمن در ابتدای قرن بیستم وارد حوزه حقوق گردید. مبنای حقوق معنوی ارتباط با شخصیت و درونیات پدیدآورنده است به همین دلیل این حقوق ارتباطی ناگسستنی با پدیدآورنده دارند و حتی قرن ها بعد از مرگ مولف هم باقی می ماند. عبارت «مالکیت معنوی» برای اولین بار در سال ۱۹۷۹، در مقاله ای در مجله *Monthly Review* مورد استفاده قرار گرفت. اگرچه اولین مثال روشن از استفاده از این واژه در کاربرد امروزی، به سال ۱۸۰۸ بازمی گردد که این عبارت به عنوان تیتیر مجموعه ای از مقالات مورد استفاده قرار گرفت. معادل آلمانی این عبارت (به آلمانی: *Schutz des geistigen Eigentums*)، هم همزمان با تأسیس کنفدراسیون آلمان شمالی و در تدوین قانون اساسی آن به کار رفته است که به کنفدراسیون، قدرت قانونی برای حمایت از مالکیت فکری اعطا می کند. در سال ۱۸۹۳ پس از ادغام هیئت اجرایی کنوانسیون پاریس (۱۸۸۳) و معاهده برن (۱۸۸۶) و نقل مکان آن ها به برن، عبارت مالکیت فکری در عنوان جدید آنها، اتحادیه بین المللی حمایت از مالکیت فکری، مورد استفاده قرار گرفت. این سازمان در سال ۱۹۶۰ به ژنو منتقل شد و در سال ۱۹۶۷ طی یک معاهده بین المللی به یکی از نمایندگی های زیرمجموعه سازمان ملل متحد تبدیل شد و به سازمان جهانی مالکیت فکری تغییر نام داد. تا چندی پیش، هدف از قانون مالکیت فکری حمایت در سطح حداقلی برای تشویق افراد به نوآوری بود؛ بنابراین روال تاریخی به این صورت بوده است که مالکیت فکری فقط در مواقع ضروری و برای تشویق نوآوری، و آن هم

به صورت محدود از نظر حوزه و زمان اعطا می شده است. برای بررسی پیشینه حقوق معنوی مؤلف در حقوق ایران، باید دو مرحله: فقدان قاعده حقوقی و تدوین قوانین را در نظر گرفت. در بررسی مرحله اول اگر به گذشته برگردیم، به دورانی می‌رسیم که هیچ گونه قاعده و ضابطه مدونی درباره این حقوق در ایران وجود نداشت، و صرفاً اگر اتفاقی نیز می‌افتاد، در حد نكوهش و ذم اخلاقی با آن برخورد می‌شد. بنابراین، مالکیت ادبی و هنری به معنای امروزی، پدیده‌ای نیست که بتوان در جوامع اولیه سرزمین ایران جای پای آن یافت. البته، اموری همچون: نقل اقوال دیگران بدون ذکر مأخذ و انتساب اثر دیگران به خود، در گذشته وجود داشت. به عنوان مثال، ابوالحسن علی بن عثمان جلالی هجویری غزنوی در مقدمه کتاب خود، کشف المحجوب چنین می‌نویسد. «دیوان شعرم، کسی بخواست و باز گرفت. و اصل نسخه، جز آن نبود. آن جمله را بگردانید و نام من از سر آن بیفکنند و رنج من ضایع کرد؛ تاب الله علیه. و دیگر، کتابی کردم هم از طریقت تصوف، نام آن منهاج الدین. یکی از مدعیان، نام من از سر آن پاک کرد و به نزدیک عوام چنان نمود، که وی کرده است.» مؤلف کتاب مفاخر اسلام نیز در این باره می‌نویسد: «سرقت افکار و اندیشه‌ها، چه به صورت فکر یا عین عبارت، آن هم قسمتی از مطلب در رساله یا کتابی، با تعویض مقدمه کتاب و نامگذاری آن به نام خود یا دیگری، سابقه طولانی دارد و بیشتر در میان شعرا رایج بوده است.» درباره مرحله دوم باید گفت که در سال ۱۳۰۹، اولین قرارداد مالکیت ادبی میان ایران و آلمان از سوی مجلس شورای ملی تأیید شد. پس از استقرار رژیم مشروطه و افزایش نشر کتاب، نیاز به قوانین حاکمیت از مؤلفان، روز به روز بیشتر شد. در آن زمان، فقط ماده ۲۴۵ تا ۲۴۸ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۰ مرداد ۱۳۱۰، ناظر به حقوق مؤلفان بود؛ که آن هم این هدف را تأمین نمی‌کرد. لذا، در نیمه دوم سال ۱۳۳۴، ۲۲ نفر از نمایندگان مجلس شورای ملی تحت تأثیر تلاشهایی برای حمایت حق مؤلف، به فکر تهیه قانون افتادند. بدین ترتیب، طرحی مشتمل بر ۹ ماده و ۲ تبصره، تهیه و به مجلس تقدیم شد. بلافاصله، طرح مذکور به کمیسیون فرهنگ ارجاع شد، ولی بی‌دفاع ماند. پس از ۲ سال فترت، در سال ۱۳۳۶ به علت فشار هنرمندان و مؤلفان، کمیسیون مأمور تهیه لایحه تألیف و ترجمه، کار خود را تمام کرد و دولت لایحه



قانونی آن را مشتمل بر ۱۶ ماده و ۳ تبصره، به مجلس سنا تسلیم نمود. در سال ۱۳۴۲، وزارت فرهنگ و هنر به فکر افتاد تا برای حمایت از هنرمندان و مؤلفان، طرحی جدید به وجود آید. آقای محمدتقی دامغانی، مأمور نوشتن این طرح شد. در فروردین ۱۳۴۳، این طرح در ۹۷ ماده به چاپ رسید. در سال ۱۳۴۶، وزارت فرهنگ و هنر با گردآوردن دست اندرکاران وزارتخانه، طرح «لایحهٔ حمایت از مؤلفین و مضمینین و هنرمندان» را تهیه کرد. این لایحه در آبان ۱۳۴۷ به مجلس تقدیم شد و به پیشنهاد احمد شاملو، «قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» نام گرفت. و سرانجام، لایحه در سوم آذر ۱۳۴۸ تصویب شد.

بخش دوم: حق تمامیت اثر به عنوان حق مالکیت معنوی

ارتباط هنرمند با اثری که پدید آورده است، بسیار شخصی تر و ارتباط ساده تر است نسبت به ارتباطی که سایر افراد با اشیای دیگر دارند. قبل از تعریف حقوق مالکیت معنوی لازم است در رابطه با کلمه های حق، مالکیت، و معنوی توضیح دهیم. حق در لغت به معنای راست و درست ثابت، ضد باطل، یقین و عدل، نصیب و بهره، و ثبوت اسما خداوند آمده است. (حسن عمید، فرهنگ عمید، تهرن انتشارات امیرکبیر، ۱۵۳۱، ص ۱۱۴) در اصطلاح حقوقی، حق توانایی است که حقوق هر کشور به اشخاص می‌دهد تا از مالی مستقیم استفاده کنند یا انتقال مال و انجام کاری را از دیگری بخواهند. (ناصر کاتوزیان مقدمه علم حقوق، چاپ هفتم، تهران چاپ اقبال، ۱۵۱۱ ص ۱۱۱ و محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوقی، تهران، گنج دانش، ۱۵۱۵ ص ۱۱۱). در اصطلاح حقوقی اسلام، حق توانایی^۱ی خاصی است که برای کس یا کسانی نسبت به چیز یا کس اعتبار شده و به مقتضای آن توانایی^۲ی میتواند در آن چیز یا کس تصرف نموده یا بهره ای برگیرد. (ابوالقاسم گرجی، مقالات حقوقی، جلد اول، چاپ دوم، تهران انتشارت دانشگاه تهران، ص ۱۴۱ و سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه بخش مدنی ۱، چاپ اول، تهران، سمت ۱۵۴۱، ص ۱۳۱) حق از نظر ماهیت دارای ویژگی های زیر است

۱- قابلیت اسقاط ان از ناحیه اشخاص

۲- امکان نقل و انتقال ان به اسباب انتقال قهری و ارادی

۳- امکان تعهد علیه ان

نظر به مراتب فوق میتوان گفت که حق عبارت است از سلطه ای که برای شخص برای شخصی دیگر یا مال یا شیئی^۱ جعل و اعتبار میشود. (سید مصطفی محقق داماد، همان، ۱۳۱)

مالکیت حق استعمال و تصرف به هر صورت از سوی مالک در ملک و مال خود به جز مواردی که در قانون استثناء شده، می باشد. (محمد جعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد چهارم، تهران، گنج دانش، ۱۵۴۱ ص ۱۳۱)

مالکیت مهمترین حق عینی است و عبارت از رابطه است بین شخص و شی^۲ به وی حق همه گونه تصرف و انتفاع را میدهد. (سید حسین صفای^۳، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، هران، نشر میزان، ۱۵۴۱، ص ۱۱۱) با توجه به تعاریف فوق مالکیت حقی است مطلق و انحصاری مالکیت حقی است بدین معنا که استفاده از اثر حتی در فرض رضایت مولف نباید با هیچگونه تغییری در ان همراه باشد گرچه چنین اطلاقی به لحاظ حقوق مولف مفید و تضمین کننده خواهد بود لیکن به نظر نمیرسد که حق رعایت حرمت اثر جز در اقلیتی از کشورها با این وصف شناخته میشود. (قلمروی عمومی در حقوق مولف، دکتر پژمان محمدی، مرصیه شرقی، انتشارات مجد) مطلق زیرا این حق به صاحب ان اجازه میدهد که هر گونه تصرفی در مال خود بکند و هر نوع بهره ای از ان ببرد، مگر آنچه به موجب قانون استثنا شده باشد، و هم چنین مالکیت حقی است انحصاری زیرا مالک حق دارد منحصراً از مال خود بهره مند شود و از تصرفات دیگران در ان جلوگیری نماید هر چند که این تصرفات هیچ ضرری به حال او نداشته باشد. (همان ص ۱۱۱) معنوی در لغت به معنای باطنی، حقیقی، و مقابل مادی، ظاهری و صوری به کار رفته است. (همان، ص ۱۴۱) معنوی در اصطلاح حقوق مالکیت معنوی صرفاً اشاره بر این دارد که متعلق حق، مادی نیست، بلکه فعالیت فکری انسان است. حقوقدانان در تعریف حقوق مالکیت معنوی اتفاق نظر ندارند از این رو در بسیاری از اسناد مربوط، ترجیح داده شده است



که به جای تعریف حقوق مالکیت معنوی، صرفاً به ذکر و بیان مصادیق آن اکتفا گردد. در کنوانسیون تاسیس سازمان جهانی مالکیت معنوی آمده است: "مالکیت معنوی" شامل حقوق مرتبط با موارد زیر خواهد بود:

- آثار ادبی، هنری و علمی - نمایش های هنرمندان بازیگر، صدای ضبط شده، برنامه های رادیویی - اختراعات در کلیه زمینه های فعالیت انسان - کشفیات علمی - طراحی های صنعتی - علاقه تجاری، علاقه خدماتی، نام های تجاری و عناوین - حمایت در برابر رقابت نامطلوب و سایر حقوقی که ناشی از فعالیت فکری در قلمرو صنعتی، علمی، ادبی، و هنری میباشد. با توجه به مراتب فوق، حقوق مالکیت معنوی در معنای وسیع کلمه عبارتست از حقوق ناشی از آفرینش ها و خلاقیت های فکری در زمینه های علمی، صنعتی، ادبی و هنری. پیدایش این حق به زمانی پیش از تولید حقوق مادی میرسد و حقی است که در صورت منتفی شدن حقوق مادی به حیات خود ادامه میدهد. این حق دارای امتیازات متعدد است که وجه اشتراک تمام آنها در وابسته بودن به فرد، غیرقابل تبدیل بودن به پول، و علی القاعده غیرقابل فروش و مشمول مرور زمان قرار نگرفتن است.

بخش سوم: مقررات داخلی و بین المللی در زمینه حق مولف

پاسخ به این پرسش که آیا مولف برای جلوگیری از لطمه به تمامیت اثر باید رفتار خاصی را اتخاذ کند یا خیر، و آیا عنوان اثر هم میتواند از حق حرمت اثر بهره مند باشد یا حق حرمت اثر فقط مشمول محتویات اثر است قوانین کشورها ساکت اند اما میتوان گفت برخی قوانین به طور صریح متذکر عدم ایراد لطمه به اثر میباشند، قانونگذار بلژیک به وضوح متذکر میشود که "تحصیل کننده عین اثر مجاز به تغییر آن برای فروش یا بهره برداری نیست و همچنین مجاز به نمایش عمومی اثر تغییر یافته نیست". قانون گذار رومانی و ونزویلا برای منتقل الیه حقوق و تحصیل کننده عین اثر که به صورت ادبی، موسیقی یا هنری است الزامی مشابه رعایت حرمت اثر قایل است، اما در برخی موارد خاص مانند آثار معماری که جنبه زینتی و

کاربردی آن در شی واحد ظاهر میشود مشمول قاعده خاصی قرار داده اند با حفظ حق تقدم مطالعه و انجام تغییرات برای مولف، عدم داشتن حق مخالفت مولف را در مواردی که ملاحظات فنی یا نحوه استفاده از آنها چنین ایجاب کند. این تاکید بجا است زیرا هنر و فن در اثر معماری کاملاً به هم آمیخته است امری که موجب تنزل حق معنوی معمار در مقایسه با حقوق عام شناخته شده برای مولفان است. بعضی کشورها نیز مانند فرانسه فاقد مقررات خاص در مورد رعایت حرمت اثر هنری اند، و تعیین حدود را بر عهده رویه قضایی گذاشته اند:

در فرانسه نیز نیز که مهد حقوق اخلاقی است این حق مورد شناسایی قرار داده شده و آثار پدیدآورندگان را در برابر هرگونه تغییر و تحریف حمایت میکند؛ در ماده ۱-۱۱۱ قانون مالکیت فکری فرانسه، حق احترام به اثر بیان شده است اما ابعاد آن مشخص نشده است. البته در قسمت های دیگری از این قانون ابعاد آن مورد شناسایی قرار گرفته است. برای مثال در ماده ۱۱-۱۵۱ این قانون بیان شده است که: «ناشر نمیتواند بدون موافقت کتبی پدیدآورنده، تغییری در اثر ایجاد کند» همچنین در ماده ۱۱-۱۵۱ هم بنگاه های نمایش را به رعایت حق حرمت اثر ملزم کرده است، «بنگاه نمایش باید نمایش یا اجرای عمومی اثر را در شرایط فنی لازم، به نحوی که ضامن رعایت حقوق مادی و معنوی پدیدآورنده باشد، انجام دهد.» (قانون مالکیت فکری فرانسه و آلمان، ۱۵۱۱، به ترتیب ص ۵۴ و ۳۱) البته رویه قضایی کشور فرانسه برای اعمال حق احترام به اثر وجود دو شرط را لازم میدانند. یکی اینکه تغییرات، قضاوت یک شونده یا بیننده را نسبت به اثر تغییر دهد دوم اینکه تغییر باعث تحریف اثر شود. (زر کلام؛ ستار؛ قانون مالکیت فکری فرانسه و آلمان)

۱۵۱۱، ص ۱۱۱) در ایران ماده ۱۱ قانون حمایت از مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۵۱۱ در خصوص حق حرمت اثر بیان کرده است که: «هر گونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است» در ابتدای این ماده عبارت (هر گونه) به کار برده شده است که نشان دهنده آن است که قانون گذار تمام تغییرات را در نظر داشته است و حتی تغییرات مثبت را هم نپذیرفته است. ضمن اینکه در قسمت دوم



این ماده قانونی گفته شده است (و نشر ان) که این ابهام را در ذهن ایجاد میکند که آیا بعد از تغییر و تحریف اثر باید اثر تغییر یافته منتشر شود تا با ممانعت قانونی مواجه شود یا اینکه صرف تغییر و تحریف اثر بدون نشر ان هم ممنوع است؟ از ماده ۱۵ به بعد قانون ۱۵۱۱ در خصوص ضمانت اجراهای عدم رعایت این حق صحبت شده است. در لایحه مالکیت ادبی و هنری مصوب سال ۱۵۱۱ در بند ۵ ماده ۱ حق حرمت اثر اینگونه تعریف شده است:

« به موجب این حق ، هر گونه دخل و تصرف یا دیگر تغییرات در محتوا، شکل، عنوان یا نشانه ویژه اثر منوط به کسب اجازه از پدیدآورنده است.»

در این تعریف نیز عبارت (هرگونه) ذکر شده است که نشان دهنده ممنوعیت هر گونه تغییر، اعم از مثبت و منفی، است. در این تعریف دیگر با ابهام ماده ۱۵ قانون ۱۱ مواجه نیستیم، چرا که عبارت (و نشر ان) در این تعریف دیده نمیشود. دکتر زر کلام معتقدند که: ماده ۱۱ و ۱۱ قانون ترجمه و تکثیر نشریات و کتب و آثار صوتی سال ۱۵۳۱ به طور ضمنی اشاره به حق احترام به اثر در مورد ترجمه و آثار صوتی را بیان میکنند. (زر کلام؛ ستار؛ حقوق مالکیت ادبی و هنری، تهران: سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم اسلامی، ۱۵۱۴، ص ۱۱۱) با توجه به اهمیت و جایگاه این حق و همچنین با عنایت به اینکه در اسلام به تمام ابعاد زندگی بشر توجه شده است، حق حرمت اثر در آیات و روایات و ابواب فقهی امامیه پیش بینی شده است. آیاتی که در خصوص حق حرمت اثر بیان شده اند.

ب) آیات در خصوص عدل و انصاف؛ ج) روایات در خصوص احترام مال مومن؛ د) قاعده احترام به مال مردم ه) قاعده سلطنت بر اموال و) قاعده اتلاف هم چنین امام خمینی در پاسخ استفتایی خود میفرماید تحریف کتاب و اسناد ان به مولف جایز نیست یکی دیگر از نویسندگان نیز با توجه به آموزه های اسلامی مینویسد شریعت اسلامی نسبت دادن سخن دیگران را به خود حرام کرده است. همچنین ماده ۱ مکرر معاهده برن به محتوای حق معنوی اشاره دارد و بیان میدارد که: "مستقل از حقوق مال مولف و حتی پس از انتقال این حقوق، مولف دارای حق

پدري نسبت به اثر است و حق مخالفت باهر تغيير، حذف يا هرنوع ايراد لطمه نسبت به اثر که موجب خدشه دارشدن اعتبار يا شهرت اوشود را داراست". درنتيجه بايد دو امتياز حق معنوی را برای مولف قایُل شد حق رعایت نام و حق رعایت حرمت اثر. بدین سان که پدیدآورنده حق متمایز بودن اثر خود نسبت به دیگری و نیز حق اعتراض نسبت به اضافه، حذف، یا تغییر اثر برخوردار است. دربرخی کشورهای دارای سنت کامن لا حق رعایت حرمت اثر از جمله قواعد کامن لا و مشخصاً قانون افترا مییاشد، بنابراین پس از مرگ شخص مورد افترا امکان طرح دعوا وجود ندارد. در وضع معاهده سعی بر احتساب این ویژگی ها بوده و بنابراین تحت شرایط مقرر در معاهده این اختیار به اعصا داده شده که برخی حقوق را پس از مرگ نادیده بگیرند.

بخش چهارم: مبانی حقوقی حق تمامیت اثر

1) حق تمامیت اثر ناشی از کار و مربوط به حقوق کار است

تعدادی از حقوقدانان، حق تمامیت اثر را در چهارچوب حقوق کار قرار داده و معتقدند که حق مولف ناشی از کار آنان است و پدیدآورندگان آثار فکری شایسته دریافت مزد برای کار فکری خود هستند. بر اساس این دیدگاه هر جا مقررات خاصی برای این موضوعات فکری وجود نداشته باشد، مشمول مقررات عمومی حقوق کار خواهند بود. بر این مبنا انتقادات زیادی شده است به طوریکه امروزه طرفداران چندانی ندارد چرا که اثر فکری که نتیجه خلاقیت و ابتکار فکری پدیدآورنده آن است، قابل مقایسه با کار یک کارگر متخصص که فاقد هرگونه ابتکار و نوآوری بوده نیست.

2) حق تمامیت اثر ناشی از شخصیت آفریننده اثر است

یکی از مبانی مهم و تاثیرگذار در حوزه مالکیت فکری (مخصوصاً برای توجیه حقوق اخلاقی و معنوی آفرینش های فکری مانند حق حرمت نام و حق حرمت اثر که بر اساس برخی از مبانی توجیه آنها ممکن نیست) مبناي شخصیت می باشد. در این دیدگاه محور اصلی

"شخصیت پدیدآورنده" است به خلاف دیدگاه قبلی (دیدگاه حقوق کار) که نقش محوری را اثر و کار فکری بر عهده داشت. بر اساس این دیدگاه اثر فکری از شخصیت پدیدآورنده نشأت می‌گیرد، حال یا عین شخصیت پدیدآورنده اثر (بر اساس دیدگاه هگل) و یا لازمه شخصیت پدیدآورنده اثر (بر اساس دیدگاه کانت) است.

3) حق تمامیت اثر نوعی مالکیت است

از مهمترین و پر مناقشه‌ترین نظریات پیرامون مالکیت فکری که امروزه نیز طرفداران زیادی دارد، این است که حق صاحب اثر فکری به عنوان نوعی مالکیت شناخته شود. از این رو حقوقدانان و شخصیت‌های بسیاری بر این مطلب تاکید کرده‌اند از جمله لامارتین گفته است که مالکیت ادبی "مقدس‌ترین نوع مالکیت" است. شاپلیه در گزارشی که در این باره تهیه کرده اعلام نموده است که مالکیت ادبی شخصی‌ترین و مشروع‌ترین نوع مالکیت است؛ اگر مالکیت عادی بر اشیا خارج از انسان تعلق می‌گیرد که آدمی آنها را تصرف می‌کند، مالکیت ادبی مربوط به فکر انسان است که با خود او متحد است. لوئی ناپلئون در سال ۱۸۴۴ در نامه‌ای نوشته "اثر فکری ملکی مانند زمین و خانه است و باید از همان حقوق برخوردار باشد". اگر این نظریه را بپذیریم، می‌توانیم از مقررات عمومی مالکیت (در صورت نبودن قانون خاص) در خصوص آفرینش‌های فکری استفاده کنیم. اولین کسانی که بر موضوعات فکری کلمه مالکیت را اطلاق کردند نویسندگان و ادیبان بودند، که با استعمال و تکرار مالکیت در مورد حق مؤلف، اصطلاح مالکیت فکری و معنوی را در ادبیات حقوقی وارد کردند. این دیدگاه نیز مورد انتقاد قرار گرفته است. از مهمترین اشکالات وارد بر این نظریه این است که مالکیت حقی دائمی (غیر موقت)، مطلق (بدین معنا که مالک حق همه گونه تصرف و انتفاع در مال خود را دارد) و مالی می‌باشد حال آنکه حقوق فکری حقوقی موقت، غیر مطلق و غیر مالی می‌باشند. طرفداران دیدگاه مالکیت ضمن پاسخ به این ایرادات بر نظر خود تاکید دارند.

4) حقوق تمامیت اثر از مبانی اخلاقی ناشی می‌شود

رابطه حقوق و اخلاق از مباحث فلسفه حقوق است. برخی همچون کانت بر جدایی حقوق و اخلاق تاکید ورزیده‌اند. در برابر این نظریه بسیاری همچون ژرژ رپیر بر نزدیکی حقوق و اخلاق تاکید دارند. اگر نظریه دوم را بپذیریم می‌توانیم با استفاده از برخی قواعد اخلاقی همچون قاعده دارا شدن ناعادلانه و برخی عناوین اخلاقی همچون رقابت غیر منصفانه، توهین، قرار داد و حق خلوت برای اثبات حقوق مالکیت فکری استفاده کنیم. به عنوان مثال از قاعده دارا شدن ناعادلانه بدین نحو می‌توان حقوق مالکیت فکری را اثبات کرد: در امور فکری پدیدآورنده با تلاش خود پدیده فکری را کشف یا خلق می‌کند و این پدیده دارای منافع اقتصادی زیادی می‌تواند باشد جامعه اگر بدون پرداخت هزینه به پدیدآورنده از آن استفاده کند به صورت ناروا به دارایی خود افزوده است. این افزایش همراه با کاهش و زیان پدیدآورنده خواهد بود که آثار مالی اثر خود را از دست داده است، پس باید مسئولیتی تعیین شود. راه حل این است که با وضع نظام مالکیت فکری اساساً جلوی پیدایش چنین امری گرفته شود و قانون از منافع اقتصادی و معنوی پدیدآورنده دفاع کند. به همین صورت می‌توان از برخی دیگر از عناوین اخلاقی استفاده کرد.

۵) مبنای قراردادی برای حق تمامیت اثر

برخی از مبنای قرارداد اجتماعی برای توجیه نظام مالکیت فکری استفاده نموده‌اند. به عنوان مثال استرلینگ هنگام شمارش مبانی توجیه مالکیت فکری یکی از مبانی را قرارداد اجتماعی شمرده است. وی می‌نویسد: کپی رایت ناشی از قرارداد میان پدیدآورنده اثر و اجتماع است. اجتماع زمینه‌ای را فراهم می‌کند که در آن هنرمندان مبتکر پرورش یابند در عوض نیز پدیدآورنده اثر خود را به اجتماع داده، در ازای آن پاداش دریافت می‌کند. بنابراین نویسنده به منظور توجیه نظام مالکیت فکری، قراردادی اجتماعی و فرضی را میان پدیدآورنده اثر فکری و اجتماع ترسیم کرده است، به همین سبب از مبنای قرارداد خصوصی نیز برای توجیه نظام مالکیت فکری می‌توان استفاده کرد.



بخش پنجم: مبانی فقهی حق تمامیت اثر

بند اول: آیات

با نگاهی به آیات قران درمی یابیم که امکان استناد به سه دسته از آیات برای اثبات حق اخلاقی حرمت اثر وجود دارد که به بررسی آنها میپردازیم.

۱. نهی از خیانت

یکی از آیاتی که امکان استناد به آن وجود دارد آیه ۱۶۱ سوره ال عمران است.

هیچ پیامبری را نسزد که به امت خود در اموال و غنائم خیانت کند و هر کس خیانت کند در روز قیامت همرا آنچه خیانت کرده است بیاید سپس به هر نفسی در برابر آنچه بدست آورده جزای کامل داده شود و به آنان ستم نرود.

خداوند در این آیه بیان کرده است که پیامبران به امانات خیانت نمیکنند و خیانت برای همه افراد منع شده است خواه پیامبر باشد چه غیر پیامبر. (بابایی، احمدعلی؛ برگزیده تفسیر نمونه؛ ج ۴؛ ویراست ۲؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه،)

آیه دیگر در خصوص نهی از خیانت آیه ۷۱ سوره انفال است.

اگر بخواهند به تو خیانت کنند به خدا نیز پیش از این خیانت کردند، پس او تو را برانها مسلط کرد و خداوند دانا و با حکمت است.

هم چنین آیه ۱۹ سوره غافر نیز در این زمینه بیان داشته است. (همان، ج ۵، ص ۲۲۱)

او چشم های خیانت کار (یا خیانت چشم ها) و آنچه را که سینه ها پنهان میکند می داند .

در آیه ۱۰ سوره تحریم گفته شده است خداوند برای کسانی که کفر ورزیده اند زن نوح و زن لوط را مثال زده که در تحت (زوجیت) دو بنده صالح از بندگان ما بودند، پس به

شوهرانشان (به واسطه نفاق) خیانت کردند و آنها از آن دو زن چیزی از (عذاب) خدا را دفع نکردند و (در روز قیامت) به آنها گفته میشود همراه واردین داخل آتش شوید. طبق این آیه جایگاه افراد تأثیری در کیفر آنها ندارد و دو همسر پیامبر نیز که در افشای اسرار و آزار آنها سهیم بودند کیفر اعمال شان را میبینند. (همان) آیه ۲۷ سوره انفال هم در خصوص نهی از خیانت بیان کرده است که ای کسانی که ایمان آورده اید، به خدا و فرستاده او خیانت نورزید و در امانت های خود خیانت نکنید در حالی که میدانید. (آیت الله مشکینی؛ قران حکیم و شرح آیات منتخب؛ قم: چاپخانه بزرگ قران، ۱۳۸۹، ص ۱) کلمه مقابل خیانت امانت است و خیانت به این معناست که انسان از پرداخت حقی که به عهده گرفته است سرباز زند. معمولاً امانت را برای امانت های مالی به کار میبریم و ذهن انسان با شنیدن آن به سوی مسائل اقتصادی منحرف میشود اما در نگاه قران امانت معنایی وسیع تر از امانت های مالی دارد و تمام ابعاد زندگی اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی را شامل میشود تا جایی که حتی در روایات بیان شده است که گفت و گوهای خصوصی افراد در مجالس که گوینده راضی نیست که افرادی که در آن جلسه نیستند از آنها مطلع شوند، نزد شنوندگان امانت است و نباید آن را در نزد دیگران بازگو کنند. بنابراین هر آنچه که خداوند به افراد ارزانی داشته است امانت است، حتی آب و خاک و هوا نیز از امانت های الهی هستند که باید در حفظ آنها کوشا باشند. بالاتر از همه ی اینها قران و پیامبران الهی نیز از امانت های خداوند هستند. خیانت در امانت یکی از قبیح ترین گناهان است و کسی که در امانت خیانت میکند منافق است. در حدیثی از پیامبر نقل شده است: «منافق سه نشانه دارد: هنگام سخن گفتن دروغ میگوید، به هنگامی که وعده میدهد، تخلف میکند و به هنگامی که امانتی نزد او بگذارند، خیانت میکند. چنین کسی منافق است؛ هر چند روزه بگیرد و نماز بخواند و خود را مسلمان بداند.» با توجه به اینکه موضوع امانت میتواند مصادیق گوناگونی داشته باشد، این مطلب به دست می آید که آفریده های فکری نیز میتوانند موضوع امانت باشند. بدین صورت که آنچه توسط پدید آورنده خلق شده است تجلی شخصیت وی بوده است و طبیعتاً خواهان این است که افراد جامعه از آن به عنوان امانت نگهداری کنند و اثر فکری او بدون تغییر و تحریف و کم و زیاد شدن به دست دیگران برسد



چرا که اثر فکری تغییر یافته اصالت اولیه را ندارد و گاهی میتواند از آنچه مورد نظر پدید آورنده ی اثر بوده است بسیار فاصله داشته باشد حتی شاید اثر جدیدی باشد که دیگر نشانی از شخصیت و منویات پدید آورنده در آن نمایان نیست. ضمن اینکه از آیه ۱۰ سوره تحریم چنین بدست می آید که مهم نیست چه کسی در امانت خیانت میکند و در هر حال این امر باعث مجازات شخص میشود. پس در خصوص آثار فکری نیز، تمام افراد جامعه با هر جایگاه و نیتی، از تغییر اثر فکری منع می شوند و تنها این پدید آورنده است که میتواند اثر فکری خود را تغییر دهد. برای مثال پس ساخت یک اثر سینمایی، اگر وزارت ارشاد برای اکران فیلم ممیزی ها و تغییراتی را لازم بداند، باید آنها را به عوامل فیلم اطلاع دهد و این کارگردان فیلم و تهیه کننده هستند که در خصوص تغییرات و پذیرش ممیزی ها تصمیم گیری میکنند و وزارت ارشاد راسا نمیتواند تغییرات را اعمال کند و سپس اجازه اکران فیلم را بدهد. در نتیجه هیچ شخصی با هر جایگاه و موقعیتی، حق تغییر اثر فکری را نخواهد داشت به جز پدید آورنده اثر.

۲. لزوم وفای به عهد و پیمان

آیه ۱ سوره مائده در این خصوص بیان داشته است که ای کسانی که ایمان آورده اید به پیمان ها (و قراردادها) وفا کنید.

این آیه یکی از آیاتی است که در خصوص لزوم وفای به عهد و پیمان هایی است که میان انسان و خدا و انسان ها با یکدیگر بسته میشود صحبت کرده است. با توجه به عام بودن آن شامل تمام پیمان های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زناشویی و ... میشود حتی پیمان های میان مسلمانان با غیر مسلمانان را نیز در برمیگیرد. یکی از اصول زندگی اجتماعی وفای به عهد و پیمان هایی است که که بین افراد بسته میشود چرا که اگر افراد جامعه به این اصل پایبند نباشند هرج و مرج در جامعه ایجاد میشود و افراد جامعه نمیتوانند به یکدیگر اعتماد کنند و همین مسئله مشکلات بسیاری را ایجاد میکند. (بابایی؛ احمد علی؛ برگزیده تفسیر نمونه؛ ج ۱؛ ویراست ۲؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه)، آیه ۸ سوره مومنون در خصوص یکی از ویژگی های مومنون

گفته است و آنان که امانت های خود و پیمان های خود را رعایت کننده اند. همچنین آیه ۱۷۷ سوره بقره نیز در حال بیان در مورد وفای به عهد بیان داشته است و وفاداران به پیمان خویش آنگاه که پیمان ببندند. آیه ۳۴ سوره اسرا از اهمیت وفای به عهد پرسش در این زمینه است و به پیمان تان وفا کنید ، همانا پیمان مورد سوال خواهد بود. در آیه ۳۲ سوره معراج نیز می توانیم تذکر در خصوص وفای به عهد را ببینیم که خداوند در آن آیه فرمودند و آنان که به امانت ها و عهد خود پایبندند. همچنین در نهج البلاغه در فرمان مالک اشتر چنین می خوانیم : «در میان واجبات الهی هیچ موضوعی همانند وفای به عهد در میان مردم جهان ، با تمام اختلافاتی که دارند مورد اتفاق نیست. به همین جهت بت پرستان زمان جاهلیت نیز پیمان ها را در میان خود محترم می شمردند زیرا عواقب دردناک پیمان شکنی را دریافته بودند.» از پیامبر اکرم روایت شده است که فرمود : کسی که به پیمان خود وفادار نیست دین ندارد. (بحارالانوار؛ ج ۵، ص ۹۶) در آیه ۵۸ سوره نساء گفته شده است همانا خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانشان رد کنید ، و چون میان مردم داوری کردید عادلانه داوری کنید. از این آیه هم مفهوم گسترده امانت برداشت میشود و اینکه هر گونه سرمایه مادی و معنوی میتواند موضوع امانت قرار بگیرد و هیچ مسلمانی نباید در امانتی که به او سپرده شده است خیانت کند، خواه صاحب امانت مسلمان باشد یا غیر مسلمان، و این مورد در حقیقت یکی از مواد حقوق بشر در اسلام است. بر اساس آیاتی که در خصوص لزوم وفای به عهد بیان شده اند به این نتیجه میرسیم که در دین اسلام این موضوع در دین اسلام از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است، چرا که اساس زندگی اجتماعی بر ارتباط افراد مختلف جامعه با یکدیگر در امور مختلف زندگی از قبیل مسائل اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و ... استوار است. در نتیجه افراد برای حفظ بنیان زندگی اجتماعی ناگزیرند که بر پیمان هایی که بین شان بسته میشود وفادار باشند ، در غیر این صورت باید منتظر فروپاشی نظام اجتماعی باشیم. در خصوص اموال فکری زمانی که شخص اثری را با خلاقیت و نوآوری ایجاد میکند ، آن را برای بهره برداری فرهنگی ، اقتصادی ، علمی و ... در اختیار جامعه قرار میدهد. با توجه به اینکه عهد و پیمان گستره ی وسیعی دارد و تمام ابعاد زندگی اجتماعی را در بر میگیرد ممکن است بتوان



گفت که عهد و پیمانی به صورت ضمنی بین جامعه و پدیدآورنده در خصوص حفظ این اثر، با همان شرایط و ویژگی هایی که پدیدآورنده اثر خواسته است، بسته میشود. لزوم وفای به عهد ایجاب میکند که جامعه به عهد خود وفادار باشد و آثار فکری اشخاص را بدون اجازه آنها تغییر ندهد، چرا که این تغییرات باعث میشود افراد اطمینان خود را نسبت به جامعه از دست بدهند و برای حفظ آثار فکری خود و احترام به این آثار از انتشار آنها خودداری کنند و با این کار جامعه ی بشری از رشد و تعالی باز میماند. اما استناد به وجود قرارداد ضمنی بین جامعه و پدید آورنده تا چه حد میتواند صحیح باشد؟ قرارداد نتیجه ی اراده ی طرفین آن است و حمل تعهدات خارج از چهارچوب اراده طرفین به آنها با اصول حقوقی بسیاری از جمله اصل آزادی قراردادها منافات دارد. وجود تعهدات ضمنی بین افراد همواره محل نزاع بوده است و جز در موارد خاص نمیتوان به استناد کرد. در نتیجه در این مورد نمیتوان به وجود قرارداد ضمنی بین پدیدآورنده اثر و جامعه و به تبع آن آیات مربوط به لزوم وفای به عهد استناد کرد. ۳. عدل و انصاف در آیه ۸ سوره مائده گفته شده است ای کسانی که ایمان آورده اید، گواهان به عدل و قسط باشید و هرگز دشمنی با گروهی شما را بر آن ندارد که عدالت نکنید، عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است. همچنین در آیه ۱۳۵ سوره نساء بیان شده است که :

ای کسانی که ایمان آورده اید، (در همه امورتان) به کمال و دوام قیام کننده ی به عدل و گواهی دهنده برای خدا باشید. این آیه نیز یکی از آیاتی است که بیان کننده ی اهمیت عدالت اجتماعی است و بیان میکند که مسلمانان آنچنان باید در این خصوص حساسیت داشته باشند که به هیچ طرف انحراف نداشته باشند. آیه ۲۵ سوره حدید نیز به این مسئله مهم انسانی و اجتماعی پرداخته است به یقین ما فرستادگانمان را با دلایلی روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و وسیله ی سنجش فرورستادیم تا مردم به قسط و عدل برخیزند و آهن را فرو فرستادیم که در آن نیرویی سخت (در جنگ و دفاع) و منافی (دیگر) برای مردم است... بعضی از مفسران در ذیل این آیه گفته اند که برای تحقق عدل و قسط در جامعه وجود سه شرط اهمیت دارد:

۱. قانون، برای اینکه با آن بتوان عدل و ظلم را از هم تفکیک کرد.

۲. مجری قانون، یعنی شخص عادل را که آگاه به متن قانون باشد را برای اجرای آن باید برگزید.

۳. قاضی عادل، برای اینکه در جایگاه قضاوت قرار بگیرد و به دور از ظلم، در زمان اختلاف مردم میان آنها داوری کند. به همین دلیل گاهی پیامبران برای قضاوت کردن در میان مردم برگزیده میشدند. (منشور جاوید؛ ج ۱۰، ص ۴۵)

اما برقراری عدالت را به پیامبران نسبت نداده است بلکه میگوید: مردم باید چنان مورد تعلیم و تربیت قرار بگیرند که خوشان به اجرای عدل و قسط برخیزند. یعنی آنچه نیکو و شایسته ی بشریت است اقامه عدل در جامعه به صورت ارادی میباشد نه با توسل به زور و قدرت.

بخش دوم آیه ۵۸ سوره نساء نیز در خصوص عدالت است. از مجموعه آیاتی که در خصوص عدل و انصاف بیان شده است به این نتیجه میرسیم که افراد جامعه در تمام موارد باید با عدالت و انصاف رفتار کنند. یکی از مواردی که در آن توجه به عدل جایگاه ویژه ای میابد در خصوص آثار فکری است، به این صورت که زمانی که شخص با استفاده از نبوغ، احساسات و دانش خود اثری خلق میکند عدل و انصاف اقتضا میکند که تنها همان شخص بتواند در آن اثر تغییراتی ایجاد کند. اگر سایر افراد جامعه بخواهند در اثر فکری دیگران تغییری ایجاد کنند در حقیقت با بیعدالتی به شخصیت پدیدآورنده آن اثر تجاوز کرده اند چرا که ممکن است اثر تغییر یافته با درونیات و شخصیت او فاصله داشته باشد و حتی میتواند باعث تخریب شخصیت او شود.

بند دوم: روایات

به نظر میرسد بعضی از روایاتی را بتوان دال بر حق حرمت اثر دانست. در این قسمت بعضی از روایات مرتبط را بررسی می کنیم.



۱. روایات در خصوص تغییر عبارت

محمد بن سلمان گوید به امام صادق (ع) عرض کردم: «من از شما حدیث می‌شنوم و در آن کم و زیاد می‌کنم. فرمود: اگر مقصودت بیان معانی آن باشد عیب ندارد»

ابن فرقد گوید: به امام صادق (ع) گفتم «سخنی از شما می‌شنوم، می‌خواهم الفاظی که شنیدم روایت کنم به خاطر نمی‌آید. فرمود: عمدا فراموش میکنی؟ گفتم نه، فرمود: مقصودت معانی کلام من است؟ گفتم: بلی، فرمود عیب ندارد» (اصول کافی؛ جلد ۱، ص ۶۵، روایت ۳)

طبق این دو روایت تغییر دادن کلمات و عبارات احادیث در صورتی که عمدا نباشد و مفهوم حدیث را برساند، ایرادی ندارد.

از مفهوم مخالف این دو حدیث درمیابیم که کم و زیاد کردن متن احادیث در صورتی که مفهوم آن را تغییر دهد، ایراد دارد. چرا که کم و زیاد کردن هم از مصادیق حق حرمت اثر است، به این صورت که فقط پدید آورنده اثر حق کم و زیاد کردن اثر را دارد.

اما آیا از این روایات می‌توانیم ممنوعیت کم و زیاد کردن آثار ادبی و هنری را نتیجه‌گیری کنیم؟

ما از این روایات نمیتوانیم ممنوعیت تغییر در آثار ادبی و هنری را نتیجه‌گیری کنیم چرا که این روایات اطلاق ندارند.

صاحب کفایه الاصول معتقد است که برای بوجود آمدن اطلاق لازم است که قدر متیقن در مقام مخاطب وجود نداشته باشد (همان، روایت ۹)

منظور از قدر متیقن در مقام مخاطب این است که مثلاً قرینه‌ی مقامی دلالت بر تقید کند، مانند روایت (لاتنقض الیقین بالشک) که قدر متیقن در آن آثار شرعی است و اطلاق ندارد پس آثار دیگر را دربر نمیگیرد.

در این روایات نیز قدر متیقن وجود دارد و آن احادیث ائمه است. پس از این روایات نمیتوانیم نتیجه گیری کنیم که کم و زیاد کردن تمام آثار از جمله آثار فکری ممنوع است.

۲. روایات در خصوص از بین بردن امانت

رسول خدا فرمودند: «از ما نیست کسی که امانت را بی اهمیت شمارد تا آنجا که آنچه به او سپرده اند از بین ببرد.»

از بین آثار ادبی و هنری یکی از کامل ترین و بارزترین انواع اعمال حق حرمت اثر مییابد. مثلاً اگر شخصی مجسمه ای را بشکند، کامل ترین تغییر اثر است.

در این روایت بحث این است که کسی که امانتی به او سپرده شده است نباید آن را از بین ببرد و به طریق اولی نباید در آن تغییری ایجاد کند.

۳. روایات در خصوص احترام به مال

امام باقر (ع) از رسول خدا نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «ناسزا گفتن به مومن فسق است و جنگ با او کفر است و خوردن گوشت او معصیت است و احترام مال او همانند احترام خون (جان او) است.» در این روایت احترام به مال هم طراز احترام به خون قرار داده شده است و چون کلام آن عام است تمام احکامی که برای خون اعمال میشود در مورد مال هم وجود دارد. برای مثال اولاً ریختن خون دیگری ممنوع است و ثانیاً اگر خون کسی به ناحق ریخته شود، نباید خونش هدر برود و باید جبران شود. پس این احکام در مورد مال نیز وجود دارد، به این صورت که تصرف در اموال دیگران بدون اذن آنها ممنوع است ثانیاً در صورت تصرف غیر مجاز، باید جبران شود. معنای احترام مال مسلمان آن است که مال او همچون مباحات نیست که دیگران بتوانند آن را تصرف کنند، و در صورت تصرف و تجاوز باید جبران کند. می توان تغییر و از بین بردن آثار فکری توسط فردی غیر از پدید آورنده را نیز نوعی تعرض و تصرف



غیر مجاز دانست که ممنوع می باشد. چرا که آثار فکری نیز نوعی مال برای صاحب آن هستند باید احترام این مال نیز همانند سایر اموال حفظ شود.

بند سوم: قواعد فقهی

با نگاهی به قواعد فقهی مواردی را که احتمال استناد به آنها در خصوصی حق حرمت اثر وجود دارد در ذیل مورد بررسی قرار خواهند گرفت. اما قبل از بررسی قواعد فقهی شاید بررسی معنای مال ما را از سردرگمی در خصوص اینکه آیا اثر فکری مال است یا خیر برهاند. معنای لغوی مال: مال مشتق از ماده مول به صورت مذکر و مونث است و در زبان عرب مال معروف است به هر چیزی که به تملک انسان درآید، از طلا و نقره گرفته تا زمین و حیوانات و نباتات، بنابراین در لغت مال بر آنچه که انسان آنرا تملک کند و با فعل حیازت میکند گفته می شود. معنای اصطلاحی مال: در ابتدا مال مفهوم گسترده ای نداشته است و تنها شامل اعیان خارجی میگشت که قابل حیازت و انتفاع باشند، همانطور که فقیهانی نظیر علامه حلی مال را اینگونه بیان داشته اند. به مرور زمان و گسترده شدن معنای مال برخی از فقها به درستی معنای عرفی آن را مدنظر قرار داده و آنچه را که از نظر عرف و عقلا مال محسوب میشود را مال دانسته اند از آن جمله میتوان به شیخ محمد حسین کاشف الغطاء اشاره کرد. قانون مدنی در باب اول به تقسیم اموال پرداخته است ولی در تعریف آن سخنی نمیگوید. با وجود این از ملاحظه مصداق های این واژه در مواد ۸۷۲-۹۴۶-۱۲۱۴-۱۲۱۷ بخوبی بر میآید که نویسندگان قانون هم آن را به معنی گسترده خود در نظر گرفته اند. در این معنی واژه مال به تمام اشیاء و حقوقی که دارای ارزش اقتصادی است گفته میشود. تعاریف مختلفی از مال ارائه شده است لیکن بنظر میرسد تعریف دکتر حسن امامی و دکتر مهدی شهیدی از تعاریف دیگر جامع تر و کامل تر است: «مال آن شیئی است که دارای ارزش اقتصادی و مبادله است.» از مجموعه این تعاریف میتوان نتیجه گرفت که اثر فکری مال محسوب میشود و تحت حمایت قانون است.

۱. قاعده احترام به مال مردم

طبق این قاعده اموال مردم از هرگونه تعدی و تجاوزی در امان هستند و اگر تعدی و تجاوزی نسبت به آنها صورت گیرد، متجاوز ضامن خواهد بود. در خصوص اموال فکری که نوعی مال محسوب میشوند میتوان با استناد به این قاعده ی فقهی افراد را از تغییر اثر فکری بازداشت، چرا که همانطور که از این قاعده پیداست تعدی و تجاوز نسبت به مال مردم جایز نیست و در صورت تعدی فرد ضامن است. تغییر و تحریف آثار فکری نیز نوعی تجاوز به مال دیگران محسوب میشود که با توجه به میزان خسارت مادی و معنوی وارد شده به پدید آورنده ی اثر فکری میتوان از متعدی و متجاوز مطالبه خسارت کرد.

۲. قاعده سلطنت بر اموال

این قاعده یکی از قواعد فقهی است که در میان فقها به قاعده سلطنت معروف است اما گاهی از آن تحت عنوان قاعده تسلط یا قاعده تسلیط نیز یاد میشود. همانطور که از نام این قاعده پیداست، مالک نسبت به اموال خود سلطه کامل دارد و میتواند هر گونه تصرفی در آن بکند و هیچ کس بدون مجوز نمیتواند او را از این کار منع کند. یکی از مستندات این قاعده آیه ی ۲۹ سوره نساء میباشد (لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض منکم) یعنی اموال یکدیگر را به باطل نخورید مگر از طریق معاملات همراه با رضایت یکدیگر. طبق این آیه شریفه افراد بر اموال خود تسلط دارند و نمیتوان بدون رضایت مالک هیچ گونه تصرفی در اموال دیگران کرد. این آیه بعد سلبی قاعده سلطنت، یعنی ممنوعیت تصرف غیر، را بیان کرده است.



منابع و مأخذ

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق امول، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۰
۲. جوناسکو، اورلیان، ترجمه: محسن فرشاد، مجله مؤسسه تطبیقی دانشگاه تهران، شماره ۲
۳. دوانی، علی، مفاخر اسلامی، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، چ ۱، ۱۳۶۶
۴. الزحیلی، وهبه، «حق تألیف، نشر و توزیع»، ترجمه: محمود رضا، افتخارزاده، حقوق مؤلفان، هنرمندان و ناشران در فقه معاصر اسلامی، نشر هزاران، ۱۳۷۶
۵. بابایی، احمدعلی؛ برگزیده تفسیر نمونه؛ ج ۱؛ ویراست ۲؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷
۶. بابایی، احمدعلی؛ برگزیده تفسیر نمونه؛ ج ۵؛ ویراست ۲؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷
۷. آیت الله مشکینی؛ قران حکیم و شرح آیات منتخب؛ قم: چاپخانه بزرگ قران، ۱۳۸۹
۸. اصول کافی؛ جلد ۱؛ ص ۶۵، روایه ۳
۹. آخوند خراسانی؛ کفایة الاصول؛ ج ۱، چاپ طاهر، ص ۳۸۴
۱۰. السنهوری عبدالرزاق، الوسیط فی شرح القانون المدنی، ج ۸، قاهره: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۶۷
۱۱. صادقی مقدم، هوشنگ (محمدحسن)، حقوق مؤلف در ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۶
۱۲. صادقی نشاط، امیر، حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای کامپیوتری، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶
۱۳. صفایی، سیدحسین، مقالاتی درباره حقوق مدنی و تطبیقی، تهران: نشر میزان، ۱۳۷۵